

Investigating the relationship between individual and social happiness in Farabi's utopia .

Zinat shojaei¹

Abstract:

Farabi, a prominent Islamic philosopher, combining Greek philosophical teachings and divine teachings, presents a comprehensive theory of an ideal society that considers happiness not as an individual matter, but as a phenomenon dependent on social structure. He believes that humans can only achieve their desired perfection in a rational and virtue-oriented environment, and a wise society is the basis for this individual growth. The wise leader in Farabi's system plays a fundamental role in guiding society, because the realization of social order and cooperation requires the existence of a wise ruler who takes charge of directing affairs. Farabi believes that human happiness is achieved through the acquisition of theoretical and practical sciences and the cultivation of good morals; something that is not possible without social cooperation. The desired society must be built on the basis of cooperation and rational guidance to provide the basis for individual and social advancement. Therefore, this study was conducted through a library and descriptive-analytical method, and the data were collected by examining Farabi's works. The research findings show that the relationship between individual and social happiness in Al-Farabi's theory of the utopia is two-way; a society based on rationality and virtue enhances individual growth, and virtuous individuals form the foundation of a superior society. In addition to its importance in classical philosophy, this theory can provide a framework for analyzing contemporary governance and social systems .

Keywords:

Social, Happiness, Farabi, Medina Utopia

بررسی رابطه سعادت فردی و اجتماعی در مدینه فاضله فارابی

^۲زینت شجاعی

چکیده:

فارابی، فیلسوف برجسته‌ی اسلامی، با تلفیق آموزه‌های فلسفی یونان و معارف وحیانی، نظریه‌ای جامع دربارهٔ جامعهٔ آرمانی ارائه می‌دهد که سعادت را نه امری فردی، بلکه پدیده‌ای وابسته به ساختار اجتماعی می‌داند. او معتقد است که انسان تنها در محیطی عقلانی و فضیلت‌محور به کمال مطلوب دست می‌یابد، و جامعه‌ای خردمند زمینه‌ساز این رشد فردی است. رهبر حکیم در نظام فارابی، نقشی اساسی در هدایت اجتماع دارد، زیرا تحقق نظم و همکاری اجتماعی مستلزم وجود حاکمی خردمند است که هدایت امور را بر عهده گیرد. فارابی بر این باور است که سعادت انسانی از طریق کسب علوم نظری و عملی و پرورش اخلاقیات حسنه تحقق می‌یابد؛ امری که بدون همکاری اجتماعی ممکن نیست. اجتماع مطلوب باید بر پایهٔ تعاون و هدایت عقلانی بنا شود تا زمینهٔ ارتقای فردی و اجتماعی را فراهم کند. از این رو این مطالعه به روش کتابخانه‌ای و با روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است و داده‌ها از طریق بررسی آثار فارابی گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که رابطهٔ سعادت فردی و اجتماعی در نظریهٔ مدینهٔ فاضلهٔ فارابی، دوسویه است؛ جامعه‌ای که مبتنی بر عقلانیت و فضیلت باشد، رشد فردی را تقویت کرده و افراد بافضیلت، بنیان اجتماع متعالی را می‌سازند. این نظریه علاوه بر اهمیت آن در فلسفهٔ کلاسیک، می‌تواند چارچوبی برای تحلیل نظام‌های حکمرانی و اجتماعی معاصر ارائه دهد.

کلید واژه:

اجتماعی. سعادت. فارابی. مدینه فاضله

نخستین بار اندیشهٔ مدینه فاضله در فلسفه اسلامی به صورت منسجم توسط ابونصر فارابی در کتاب آرای اهل المدینه الفاضله مطرح شد. فارابی با تحت تأثیر فلسفه یونان به ویژه افلاطون و ارسطو مفهوم جامعه آرمانی را ارائه کرد. فیلسوف برجسته اسلامی سعادت را هدف نهایی ندگی انسان می داند از آنجاکه انسان مدنی الطبع است برای بقای خود چاره ای جز زیست در اجتماع ندارد و همین امر موجب تشکیل جامعه می گردد و زمینه را برای رسیدن به کمالات عالیه انسانی فراهم می آورد.

اما آیا سعادت فردی بدون شکوفایی اجتماعی کامل می شود؟ یا آنکه سعادت، آرمنیست که از دیرباز ذهن اندیشمندان را به خود مشغول داشته، آیا تحقق پذیر است؟

مفهوم سعادت که یکی از پرسش های اساسی اندیشمندان بوده است؛ بلکه در بستری اجتماعی معنا پیدا می کند. فارابی، فیلسوف بزرگ اسلامی در نظریهٔ مدینه فاضله، به پیوند عمیق میان سعادت فردی و اجتماعی پرداخته و نشان داده است که تحقق کمال حقیقی تنها در جامعه ای هماهنگ و خردمند ممکن می شود در چنین جامعه ای، سعادت فردی از طریق رشد عقلانی، اخلاقی و اجتماعی حاصل می شود. اما این امر بدون وجود یک ساختار منسجم و هدایت درست ممکن نخواهد بود.

فارابی بر این باور است که سعادت فردی در خلأ معنا ندارد؛ بلکه تنها زمانی تحقق می یابد که جامعه نیز در مسیر فضیلت و خردمندی گام بردارد. فارابی تأکید دارد که مدینه فاضله باید تحت هدایت فیلسوف یا نبی باشد؛ زیرا تنها چنین رهبری می تواند جامعه را به سوی سعادت هدایت کند بی تردید در مدینه فاضله، سعادت فردی و اجتماعی به هم پیوسته اند و با داشتن رهبری خردمند و قوانین عادلانه، بستری مناسب برای رشد فردی و اجتماعی فراهم می شود.

فارابی در آثار مهم خود از جمله: آرای اهل المدینه الفاضله، تحصیل السعادت، فصول منتزعه و سعادت از نگاه فارابی به تبیین چگونگی پیوند میان سعادت فردی و اجتماعی در مدینه فاضله فارابی می پردازد مدینه مدینه ای که در آن انسان ها نه تنها به کمال فردی می رسند؛ بلکه در سایه نظم اجتماعی و رهبری حکیمانه به سعادت جمعی می رسند.

که این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی ارائه می گردد و با بهره گیری از اندیشه های فارابی تحت عناوین ۱- تعریف و ویژگی های مدینه فاضله و مؤلفه های آن ۲- تعریف سعادت فردی و تعریف سعادت اجتماعی و نقش جامعه و دولت در تحقق آن. در پی پاسخ به این پرسش هاست و بررسی این نه تنها افق های جدیدی از اندیشه فارابی را روشن می کند بلکه اهمیت این موضوع را بر جوامع امروزی نیز آشکار می سازد در این نوشتار با نگاهی به نظریات فارابی پیوند میان این دو مفهوم را واکاوی خواهیم کرد.

۱-مدینه فاضله

مدینه فاضله یک واژه عربی است یعنی شهر زندگی یعنی نظم دهی به امور زندگی و گرایش به اخلاق شهری میباشد و اندیشه آرمانی درباره حیات انسانی راست؛ یعنی شهر با هم نوایی در کنار یکدیگر به منزله اعضای یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کنند مدینه ای که از لحاظ فضیلت دارای درجه عالی است که در آن افراد زندگی خوبی دارند فارابی معتقد است که هدف اصلی انسان ها رسیدن به خوشبختی است و مدینه فاضله جایی است که این هدف به خوبی تحقق می یابد فارابی در این

باره می‌گوید مدینه فاضله مدینه‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی می‌شود که در این بخش به تعریف و ویژگی و مؤلفه های پرداخته می‌شود.

۱-۱ تعریف و ویژگی‌های مدینه فاضله

مدینه فاضله از دو کلمه مدینه و فاضله ترکیب یافته که در لغت و اصطلاح معنای خاصی دارد. مدینه فاضله در لغت: معادل عربی یوتوبیای یونانی و به معنی ناکجا یا به اصطلاح کشور نیز در جهان است به قولی کلمه «طوبی» در آیه ۲۹ سوره رعد «الذین آمنوا عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن و مآب»

کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند برای آنان زندگی خوش و با سعادت و بازگشتنی نیکو است (صفا و دیگران . ۱۳۸۶، ص ۵۷)

در این باره روایتی از پیامبر (ص) می‌گوید: طوبی درختی است که ریشه آن در خانه پیامبر است و شاخه‌های آن بر سر مؤمنان سایه افکنده مثال و تجسمی باشد از اینکه همه پاکی‌ها و خیرات در گرو اتصال به رهبران آسمانی است؛ بنابراین زندگی شیرین دنیوی و عاقبت نیکوی اخروی در سایه ایمان و عمل صالح است (قرایتی . ۱۳۸۳)

و درباره مفهوم اصطلاحی مدینه فاضله تعاریف زیادی از دانشمندان و فیلسوفان می‌باشد و لذا فارابی در این باره می‌گوید: مدینه فاضله مدینه‌ای است که مقصود حقیقی از اجتماع در آن ، تعاون بر اموری است که موجب حصول به سعادت آدمی است (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۱۸)

مدینه فاضله شهری است که مردمانش با همکاری هم به دنبال رسیدن به سعادت و خوبی واقعی هستند هدف اصلی این شهر کمک به انسان‌ها برای رسیدن به خوشبختی است؛ چون کمال در جامعه شهری کامل به دست می‌آید نه در گروه‌های کوچک‌تر اگر همکاری مردم برای رسیدن به اهدافی باشد که واقعاً به سعادت منجر شود آن جامعه یک جامعه آرمانی است پس مدینه فاضله به خودی خود غایت نیست؛ بلکه وسیله نیل به سعادت است (اردکانی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۵)

فارابی بر این باور است که آرمان شهر مثل بدن سالم انسان است که هر عضو آن کاری دارد و همه با هماهنگی زندگی بدن را حفظ می‌کنند در بدن قلب رئیس است و اعضای دیگر بر اساس نیازهای آن کار انجام می‌دهند همین‌طور در شهر هم یک رئیس وجود دارد که بقیه شهروندان هر کدام با توجه به توانایی و جایگاهشان برای رسیدن به هدف اصلی همکاری می‌کنند تفاوت اینجاست که اعضای بدن طبیعتاً برای نقش خاصی ساخته شده‌اند؛ ولی در شهر، شهروندان با اراده و انتخاب خودشان نقش را می‌پذیرند و بر اساس استعداد و شایستگی به جامعه خدمت می‌کنند (غلامرضا جمشید اول، ۱۳۸۸، ص ۱۴۵ و ۱۴۶)

رئیس آرمان شهر نمی‌تواند یک انسان معمولی و تصادفی باشد باید کسی باشد که هم از نظر سرشت طبیعی و هم از نظر اخلاق و اراده برای رهبری ساخته شده باشد بیشتر انسان‌ها برای خدمت کردن مناسب هستند نه برای رهبری رئیس واقعی باید نیروی عقلانی خیلی قوی داشته باشد تا بتواند حقیقت همه چیز را بفهمد نیروی متخیله‌اش باید آن قدر قوی باشد که بتواند تصاویر دقیق الهام‌های معنوی را درک کند چه در خواب و چه در بیداری علاوه بر این باید توانایی عقل عملی و نظری

را به کمال رسانده باشد به درجه‌ای برسد که عقل فعال در وجودش جاگرفته باشد چنین انسانی یک حکیم کامل و فیلسوف برتر است کسی که حقیقت را می‌شناسد و می‌تواند جامعه را به‌سوی سعادت هدایت کند (همان، ص ۱۴۸ و ۱۴۹)

رئیزی می‌تواند رئیس مدینه فاضله باشد که دارای این شرایط و صفات باشد

۱. تام الاعضا باشد

۲. طبعاً تیزفهم باشد و صاحب قدرت تصور، تا آنچه را می‌گویند یا در نیت مردمان است دریابد

۳. دارای حافظه قوی باشد آنچه را می‌بیند و می‌شنود و درک می‌کند از یاد نبرد

۴. تیزهوش و باذکاوت باشد تا دلیل امور را بافتانت دریابد

۵. خوش عبارت باشد و بتواند آنچه را در دل دارد خوب و رسا بر زبان آورد

۶. دوستدار علم و منقاد حکمت باشد و مشکلات راه علم مانع علم‌آموزی او نشود

۷. حریر و آزمند در اصل و شرب و نکاح نباشد و از لب بهره‌یزد و نسبت به لذات ناشی از آن اکراه داشته باشد

۸. دوستدار راستی و راست‌گویان و دشمن دروغ و دروغگو باشد

۹. بزرگ نفس و دوستدار کرامت و طالب رفعت باشد

۱۰. دوستدار عادل و عدل و دشمن ظالم و ظلم باشد

۱۱. در عزم و تصمیم او خلل راه نیابد و به کارهای شایسته و سزاوار جدا اقدام کند

۱۲. درهم و دینار و سایر اعراض دنیا در نظر او بی‌مقدار باشد (اردکانی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹، ۱۶۰)

از جمله ویژگی‌های مدینه فاضله می‌توان به عدالت و تعاون نام برد عدالت از نظر فارابی یعنی توزیع برابر نیکی‌ها مانند ثروت سلامت و مقام به گونه‌ای که هر کس به حق خود برسد و از ظلم به دیگران پرهیز شود هر فرد وظیفه خود را انجام دهد و از زمامدار نیز دارای عقل و اخلاق برتر باشد.

تعاون نیز یعنی همکاری متقابل افراد برای برآورده‌سازی نیازهای یکدیگر و رسیدن به کمال انسانی پایداری جامعه می‌باشد و این جامعه با دیدی آینده‌نگرانه به توسعه می‌نگرد از جمله دیگر ویژگی‌های جامعه آرمانی می‌توان: به روابط اجتماعی، محبت و دوستی، مشارکت فعال، آموزش، سعادت جمعی و ارزش‌های فرد و اجتماعی اشاره کرد (مجید شاهی گنزق، ۱۴۰۲)

۱-۲ مؤلفه های تشکیل دهنده مدینه فاضله

مدینه فاضله یا آرمان‌شهر، مفهومی است که از دیرباز ذهن فیلسوفان، متفکران دینی و اجتماعی را به خود مشغول کرده. این شهر آرمانی، جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها به بالاترین سطح از سعادت، عدالت و معنویت دست می‌یابند. در اندیشه اسلامی و فلسفه اسلامی، به‌ویژه در آثار فارابی، مدینه فاضله خود را به پنج گروه تقسیم کرده است

۴-مدینه فاضله :

مدینه فاضله اجتماعی است که مردمان آن سعادت را می‌شناسند و همه اعضای آن در مسیر کمال و سعادت حقیقی حرکت می‌کنند ساکنان این شهر آرمانی در عین داشتن و اراده فردی با هم ارتباط جمعی دارند و تعاریف زیادی از دانشمندان و فیلسوفان در این باره وجود دارد .

خواجه نصیرالدین طوسی میگوید: مدینه فاضله مدینه ای است که ساکنان آن کوشش کنند که سعادت حقیقی را به دست آورند. اداره چنین مدینه ای به دست حکیمان و فاضلان میباشد. (طوسی. ۱۴۱۳. ص ۲۴۲) ملاصدرا میگوید: مدینه فاضله مدینه ای است که شهر های آن برای نیل به نهایت حقیقی با هم همکاری میکنند. (ملاصدرا. ۱۳۵۴. ص ۴۹۰)

۵- عدالت :

عدالت و سعادت رابطه تنگاتنگی دارند به گونه ای که عدالت برای رسیدن به سعادت ضروری است شرط سعادت مندی به شمار می آید و عدالت در فلسفه سیاسی فارابی و جایگاه بسیار با اهمیت آن در نظریه مدینه فاضله، آن را در چهارچوب قدرت تفسیر می کند و از تقسیم عادلانه منافع خیرات عمومی در میان اهل مدینه سخن می گوید و وظیفه دولت را وضع قوانین به منظور صیانت از این سهم می داند (بهارنژاد. ۱۳۹۳ ص ۱۰۲)

۳-۲ رابطه جامعه و دولت با سعادت اجتماعی

دولت در اندیشه فارابی شکل های گوناگونی دارد از قبيله بشر تا کشور و امپراتوری بوده است که این تنوع باعث چندگانگی در مفهوم دولت شده است دولت سه معنا دارد: به عنوان کشور: اجتماع انسان ها در سرزمین مشخص با حکومت سازمان یافته. به عنوان حکومت: مجموعه نهادهای حاکمه و سازمان های دولتی. به عنوان قوه مجریه: هیئت دولت و مدیران اجرایی کشور. مجموعه دیدگاه ها و نگرش ها به دولت را در قالب ۳ رهیافت فلسفی، حقوقی و سیاسی مطرح شده است که در رهیافت فلسفی هدف مطالعه ماهیت و حقیقت دولت برای حیات اجتماعی دیده ای لازم است که در پی تامین اهداف و آرمان های جامعه است. که به تبع معلم ثانی کاوشگری را در قالب رهیافت فلسفی نهاده و دولت را در مفهوم دوم یعنی حکومت وجهه همت خویش قرار داده است (مهاجرنیا، ۱۳۸۰ ص ۹۹ و ۱۰۰)

در تعریفی دیگر از فارابی دولت را عالی ترین شکل هستی اجتماعی و عبارت از اجتماع در سرزمین معینی است که حکومت سازمان یافته دارند که بر اعمال حاکمیت می کند هدف اصلی آن تعاون و همکاری مردم برای رسیدن به سعادت فردی و اجتماعی است. (فارابی ۱۹۷۱، ص ۴۰)

جمعیت ساسی ترین عنصر تشکیل دهنده هر دولت است که به تعبیری فارابی جمعیت علت فاعلی شکل گیری یک مدینه است که به سه نوع تقسیم می شود دولت کوچک دولت متوسط و دولت جهانی فارابی دولت را با عناوینی همچون افضل الریاسه و اقتدار تام یاد می کند و دولت را برترین ست و قدرت می داند به گونه ای که دیگری بر او اعمال ریاست نمی کند و تحت سلطه و آمریت دولت دیگری نیست دولت در فلسفه سیاسی فارابی مانند یک بدن زنده است که اعضای آن برای حفظ حیات تمامیت آن با هم همکاری می کنند و شکل گیری دولت وابسته به تعاون جمعیت درون جامعه و همکاری با حکومت برای

رسیدن به سعادت است که بدون این همکاری و هم افزایی قوام و پایداری دولت ممکن نیست که این نگاه غایت گرایی فارابی، دولت را ابزاری برای تحقق کمال انسانی و سعادت جمعی می‌داند (مهاجرنیا، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴ و ۱۰۶) در جامعه همه شهروندان صاحب حقند و همه در جامعه سهم عادلانه دارند و هر کس به تناسب شان و مقام خود حق دارد و تعرض به حق هر کس بلکه به همه اهل مدینه و شهروندان می‌باشد (فارابی ۱۹۷۱، ص ۷۱)

فارابی می‌گوید هر کس حق دارد شغل و کار متناسب با شخصیت فردی و حیثیت اجتماعی‌اش داشته باشد و مناسب مختلف نباید در اختیار یک فرد قرار گیرد؛ زیرا هر کس معمولاً متخصص در یک مسئولیت است و اشتغال در آن، موجب کمال مسئولیت می‌شود و از طرفی توزیع مسئولیت‌ها موجب انجام آنها در زمان مقرر می‌گردد، بنابراین به یک فرد بیش از یک مسئولیت نباید واگذار کرد مگر آنکه خللی به حقوق دیگران وارد نشود یا ضرورتی در کار باشد. (همان، ص ۷۵)

۴- تعامل سعادت فردی و اجتماعی در مدینه فاضله

رابطه میان سعادت فردی و اجتماعی از دیرباز در فلسفه اسلامی مورد توجه بوده است. فارابی در آثارش، سعادت را چیزی می‌داند که خود لذاته خیر و مطلوب است و از اموری نیست که به طور مطلق یا در وقتی از اوقات مطلوب بالغیر و وسیله وصول به چیز دیگری باشد و اصولاً و رای آن چیز دیگری نیست که بزرگ‌تر و مطلوب‌تر از آن باشد (صبری، علوی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۷)

فارابی مدینه فاضله را مانند یک بدن سالم می‌داند که همه اعضایش با هم همکاری می‌کنند تا زندگی را حفظ کند همان‌طور که در بدن انسان، قلب اول شکل می‌گیرد و بقیه اعضا بر اساس نزدیکی و یا دوری از قلب جایگاه پیدا می‌کنند. در مدینه فاضله نیز جایگاه هریک از بخش‌های جامعه به همین شکل است البته نباید پنداشت که اساس شکل‌گیری مدینه فاضله بر این تشبیه اندام‌وار استوار است؛ بلکه اساس شکل‌گیری مدینه فاضله فارابی همان مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و شناخت‌شناسی اوست و این فقط یک تشبیه زیستی است.

بدین ترتیب در مدینه فاضله هم رئیس مدینه مثل قلب است و نقش اصلی را دارد و رئیس مدینه باید انسانی کامل باشد که به بالاترین مرحله رشد فکری و نفسانی رسیده باشد و همه علوم نظری را بداند و وظیفه‌اش تعیین نقش افراد ایجاد نظم و کمک به رشد اخلاقی و فکری مردم است. مدینه فاضله خودش هدف نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای رسیدن مردم به سعادت است مردم در آن جامعه سعادت را می‌شناسند و برای رسیدن به آن با هم همکاری می‌کنند در مدینه فاصله هر فرد بر اساس توانایی‌هایش وظیفه‌ای دارد که در خدمت کل جامعه است این تقسیم کار باعث می‌شود که افراد هم در مسیر رشد شخصی قرار گیرند و هم در رشد جامعه کمک کنند (امینی نسب، ۱۳۹۵، ص ۲۸)

بدین‌سان سعادت فردی بدون جامعه ممکن نیست؛ زیرا انسان برای رشد عقلانی و اخلاقی نیاز به تعامل و آموزش دارد و همچنین سعادت اجتماعی نیز بدون افراد فاضل تحقق نمی‌یابد در اندیشه فارابی این دو نوع سعادت به گونه‌ای درهم‌تنیده‌اند که هیچ یک بدون دیگری به طور کامل قابل تحقق نیست که این دیدگاه امروزه در روان‌شناسی مثبت‌نگر به طور نسبی بازتاب یافته است در اندیشه فارابی سعادت را غایت نهایی می‌داند؛ اما انسان به تنهایی قادر به تأمین همه نیازهای خویش نیست تنها در بستر مدینه فاضله همکاری اجتماعی است که انسان می‌تواند به رشد عقلانی، فضیلت اخلاقی و کمال معنوی دست یابد.

(هراتیان ۱۴۰۴) همانطور که فارابی در کتاب آرا اهل المدینه الفاضله میگوید: هر یک از آدمیان بر سرشت و طبیعتی آفریده شده‌اند که هم در قوام وجودی و هم در نیل به برترین کمالات ممکن خود، به امور بسیاری نیازمندند که هر یک به تنهایی قادر بر انجام همه آن امور نیست؛ بلکه در انجام آن به گروهی محتاج است که هر یک از آنها متکفل انجام امری از نیازمندی‌های آن باشد و رابطه هر فرد با دیگری بدین منوال است و به این جهت است که برای هیچ فردی از افراد انسان وصول به کمالی که فطرت طبیعی او برایش به ودیعه نهاده ممکن نمی‌شود؛ مگر به واسطه اجتماع و گروه‌های بسیاری که یاری دهنده یکدیگر باشند و هر یک برای انجام بعضی از نیازهای دیگری و آنچه در قوام وجودی‌اش بدان محتاج است، قیام کند تا بدین وسیله همه آنچه جمله آن گروه برای آن قیام کرده کاری انجام داده‌اند، گرد آید و نیازهای هر کدام که هم در قوام وجودی و حیات طبیعی و هم در وصول به کمان بدان محتاج است، فراهم شود. (فارابی ۱۹۹۱، ص ۱۱۷)

زیرا جامعه از اجزای انسانی تشکیل شده است که این دو نوع سعادت در یک‌چرخه هم‌افزا قرار دارند جامعه فاضله افراد را به سعادت می‌رساند و افراد فاضل جامعه را حفظ و تقویت می‌کند؛ بنابراین تنها راه رسیدن به سعادت با حضور در جامعه محقق می‌شود چرا که خیر افضل و کمال نهایی انسان به وسیله اجتماع مدنی حاصل می‌شود (فارابی ۱۴۰۱، ص ۲۳۵) چرا که سیاست‌مداران آن به چنان برتری و فضیلتی دست یافته‌اند که بدون کشورداری آنان به آن فضیلت برتر (سعادت) نمی‌توان دست یافت (فارابی، المله ۱۹۹۱، ص ۴۳)

نتیجه گیری:

فارابی معتقد است که سعادت واقعی انسان تنها در بستر جامعه‌ای متعالی ممکن است. یعنی فرد به تنهایی نمی‌تواند به کمال برسد مگر در همزیستی و همکاری با دیگران بدین سان جامعه‌ای آرمانی، بستری برای رشد فردی در مدینه فاضله فارابی، ساختار سیاسی و اخلاقی جامعه به گونه‌ای طراحی شده که فضیلت‌های انسانی را در افراد شکوفا می‌سازد.

در این جامعه، آموزش، هدایت عقلانی و پایبندی به عدالت مسیرهای اصلی دستیابی به سعادت فردی‌اند. از نگاه فارابی، هنگامی که اهداف فردی با اهداف عمومی جامعه هم‌راستا شوند، زمینه‌ی تحقق هر دو نوع سعادت فراهم می‌گردد. در نتیجه، فرد نه تنها در مسیر کمال شخصی گام برمی‌دارد، بلکه در بهبود کل جامعه نیز نقش دارد. در اندیشهٔ فارابی، عقل و حکمت حلقهٔ وصل میان سعادت فردی و اجتماعی‌اند. مدینه فاضله تنها با رهبری انسان‌های حکیم و آگاه می‌تواند به تعادل برسد.

بنابراین می‌توان گفت که فارابی تصویری از جامعه‌ای ترسیم می‌کند که در آن، شکوفایی فردی نه تنها با مصالح اجتماعی در تعارض نیست، بلکه دقیقاً در هماهنگی با آن تحقق می‌یابد. سعادت فردی و اجتماعی، دو روی یک سکه‌اند که در مدینه‌ی فاضله‌ی او، به‌زیستی را معنا می‌بخشند.

فهرست منابع:

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. امینی نسب. الهام (۱۳۹۵). بررسی مدینه فاضله در اندیشه سیاسی فارابی. فصلنامه پارسه. سال ۱۶. شماره ۲۶
۴. بهار نژاد، زکریا. شمس الدینی مطلق، کمیل (۱۳۹۳). رابطه‌ی عدالت و سعادت از دیدگاه فارابی. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت. شماره ۳۷. سال چهاردهم
۵. جمشید نژاد اول، غلامرضا (۱۳۸۸). آرمان شهر. تهران: موسسه فرهنگی هنری حوض کاشی. ناشر: همشهری
۶. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰). نظریه عدالت از دیدگاه فارابی، امام خمینی، شهید صدر. انتشارات پژوهشکده امام خمینی
۷. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲). فارابی فیلسوف فرهنگ. تهران: نشر ساقی

۸. شاهی گنزق، مجید، آدمیت، حسین (۱۴۰۲). مدینه فاضله (جامعه آرمانی) از نظر فارابی شماره ۱۶. صفحه از ۴۳۸ تا ۴۲۷
۹. صبری، علی. علوی، سید کاظم (۱۳۹۵). رابطه سعادت و فضیلت از دیدگاه ارسطو و فارابی. الهیات تطبیقی. سال ۷. شماره ۱۶
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴). المبدأ والمعاد... تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران
۱۱. صفا، ذبیح الله و دیگران (۱۳۸۶). ابوریحان، فارابی. هایدی گر (پنج مقاله) چاپ دوم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۱۲. صلواتی، محمد (۱۳۷۷). حکیم ژنده پوش ابونصر فارابی. چاپ اول. تهران: چاپخانه فراین
۱۳. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامی
۱۴. فارابی، ابونصر (۱۴۰۱). اندیشه های اهل مدینه. ترجمه سید جعفر سجادی. تهران: کتابخانه طهوری
۱۵. (۱۳۷۱). التنبيه على سبيل السعادة. تحقيق جعفر آل ياسين. تهران: انتشارات حکمت
۱۶. (۱۹۹۱). الملّه ونصوص الاخرى. بيروت: دارالمشرق
۱۷. (۱۹۹۱ م). آرا اهل المدینه الفاضله. تحقيق البير نصرى نادر. بيروت: دارالمشرق
۱۸. (۱۳۷۶). السياسه المدینه. حسن ملک شاهی. تهران: سروش
۱۹. (۱۹۷۱). فصول منتزعه. تحقيق فوزى متری نجار. بيروت: دارالمشرق
۲۰. (۱۴۰۳ ق). تحصيل السعادة. تحقيق جعفر آل ياسين. بيروت: دارالاندلس
۲۱. (۱۳۸۴). سعادت از نگاه فارابی. علی اکبر جابری مقدم. قم: دارالهدی
۲۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. چاپ یازدهم. تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن
۲۳. کریمی زنجانی اصل، محمد (۱۳۸۲). درامدی برچالش آرمان و واقعیت در فلسفه سیاسی فارابی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۴. مستاجران، علی، هراتیان، امیر حسین (۱۴۰۴). تحلیل تطبیقی مفهوم سعادت در فلسفه فارابی و روانشناسی مثبت نگر (مارتین سلیگمن). مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی دوره ۸. شماره ۹۲
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). خدمات متقابل اسلام و ایران. قم: جامعه مدرسین
۲۶. مهاجرنیا، محسن (۱۳۸۰). دولت در اندیشه فارابی. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه ی معاصر
۲۷. ناظر زاده کرمانی، فرناز (۱۳۷۶). اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س)
۲۸. نصرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۴۱۳). اخلاق ناصری. تهران